

الگویابی اسناد کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان

عاطفه زرسازان^۱

مجید معارف^۲

مرضیه قدوسی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴، صفحه ۱۲۴ تا ۱۴۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

حماد بن عثمان از اصحاب اجماع و از جمله پر روایت‌ترین راویان روایات تفسیری در کتاب الکافی است. کلینی نیز مانند سایر رجال شناسان الگو یا سند ثابتی به روایات راوی دارد که کشف آن گام موثری در علم درایه و رجال است. لذا در پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی، راویان اولی که حدیث را از حماد بن عثمان گرفته‌اند، معرفی و بررسی شده‌اند. آنگاه الگوی ثابتی که کلینی به روایات حماد داشته، کشف شده است؛ پس از آن، این الگوی ثابت با اسناد حدیثی و طرق رجالی مقایسه شده و مشخص گردید نزدیک به نیمی از کل روایات حماد بن عثمان در کتاب «الکافی» را به ترتیب ابن ابی عمیر که بیانگر قدمت سند، حسن بن علی و شاء، ابی نصر بزنطی و یونس بن عبدالرحمان روایت کرده‌اند که به نقش پررنگ روات مکتب کوفه و بغداد در تفسیر آیات نسبت به راویان مکتب قم اشاره دارد. بدین سبب الگوی روایات آنها مهمتر از سایر راویان است. علاوه بر آن، بیش از نیمی از الگوهای به دست آمده با طرق رجالیانی چون طوسی مطابقت دارد که افزون بر اعتبار بخشی به روایات، با استناد به آنها کاستی‌های سایر اسناد همچون ارسال، تصحیف و تعلیق نیز برطرف گردید.

کلیدواژه‌ها: حماد بن عثمان، الگویابی، اسناد، کلینی، روایات تفسیری.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

zarsazan@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران: maaref@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران:

marzieghodosi@gmail.com

۱. درآمد

پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) که از هرگونه گناه و پلیدی به دور بوده اند بنا به آیه: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْأُمَّطُهُون» (الواقعه/۷۹)، برترین مفسران قرآن و آگاه ترین انسانها به آیات بودند. استفاده از رهنمودها و بیانات ایشان، راه گشای بسیاری از مسائل غامض و پیچیده قرآنی و تفسیری است. در سیره ائمه طهار(ع) افزون بر تفسیر آیات قرآن کریم، تربیت شاگردان نیز از دیگر وظایف ایشان بوده است؛ به گونه ای که حضور این افراد در عرصه های مختلف دینی از جمله تفسیر قرآن و ذکر روایات کثیر از ایشان، گواه بر این مدعاست. حماد بن عثمان (۱۰۹ق) که از اصحاب امام صادق(ع)، امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) می باشد (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۱۸۶، ۳۳۴؛ همو، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶) از جمله راویانی است که حدود ۲۰۰۰ روایت از وی نقل شده است (خوئی، بی تا، ۶/۲۱۶-۲۱۸). وی در منابع رجالی با عناوینی مانند مولی غنی، مولی اُزْد و فزاری توصیف شده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۳۴؛ برقی، ۱۳۴۲ش، ۲۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۳). حماد در زمره اصحاب اجماع می باشد^۴ که برخی محدثان بر این باورند کلیه روایات اصحاب اجماع صحیح است (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲/۵۰۷). عالمان علم رجال، وی را با صفاتی چون ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۷۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۶)، فاضل (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۷۲)، جلیل القدر (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۷۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۶) و خیر (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۷۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۶) ستوده اند.

بنا بر نظر رجال شناسان، وی کتابی^۵ داشته است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۳۴؛ همو، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۳)؛ که سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ق) نیز، آن را در اختیار داشته لکن از آن با عنوان «اصل»^۶ در دو کتابش نام برده است (ابن طاووس، ۱۳۹۸، ۱۱۹-۱۲۰؛ همو، بی تا، ۶-۹). کتاب روایی حماد بن عثمان، امروزه در دسترس ما نیست و ظاهراً در گذر ایام مفقود شده یا از بین رفته

۴. کشی در کتاب رجالش نام هجده نفر از اصحاب امام باقر(ع) تا امام رضا(ع) که همه از ثقات محدثین هستند را به عنوان اصحاب اجماع بیان کرده است. البته کَشِّی در توصیف آنان از کلمه «اجماع» استفاده کرده است. به همین سبب، رجالیان نام این عده را اصحاب اجماع گذاشته اند (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۵۰۷؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۶)

۵. اصطلاح کتاب در کلمات علمای رجال به معنای متعارف آن است که شامل اصل و تصنیف نیز می شود (خمینی، بی تا، ۳: ۲۶۵؛ سبحانی، ۱۴۲۳ق، ۴۷۴) یعنی همان چیزی که توسط اصحاب ائمه اطهار (ع) برای نقل حدیث تألیف و تدوین شده باشد (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ۴۷۷)

۶. از کتاب دیگری گرفته نشده است؛ بلکه حاوی احادیثی است که نویسنده، خود، از معصوم یا کسی که بی واسطه از معصوم نقل کرده شنیده و مکتوب کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۶/۲)

است. شاید بتوان گفت از اینکه سایر رجالیان از آن با عنوان «کتاب» یاد کرده اند، در واقع مجموعه ی گسترده ای از احادیث مختلف بوده یا اینکه «اصل» باشد چرا که حماد از یاران مشترک امام صادق (ص) و امام کاظم (ع) بوده و «اصل» در همین دوران نوشته شده است؛ ضمن آنکه اصول حدیثی پایه کتب حدیثی شیعه از قرن سوم به بعد است و با استفاده از آنها کتب اربعه و سایر احادیث متقدمان به وجود آمده است و پس از تألیف کتب اربعه از رغبت دانشمندان در استنساخ اصول کاسته شد و در نتیجه بسیاری از آنها متروک شده و یا از بین رفتند (معارف، ۱۳۷۷ش، ۲۶۱).

۲. طرح مسأله

روایات حماد بن عثمان در کتب اربعه به وفور قابل مشاهده است. رجال شناسانی چون نجاشی و طوسی طرقتی را به کتاب وی ارائه داده اند. کلینی نیز روایات وی را با اسنادی متفاوت ذکر آورده است. از آنجا که بخش زیادی از روایات حماد بن عثمان در کتاب «الکافی» کلینی، تفسیری است؛ این پژوهش درصدد است به برخی سوالات پاسخ دهد: الگو و اسناد روایات تفسیری حماد در کتاب کافی کدام است؟ آیا روایتی خارج از قاعده ی الگوی ثابت وجود دارد؟ اسناد روایات تفسیری، به لحاظ تاریخی از طریق چه فرد یا افرادی انتشار می یابد؟ به تعبیر دیگر حلقه مشترک اسناد روایات چه کسانی هستند؟ چرا که با به دست آوردن این الگو و طریق ثابت برای هر راوی، بسیاری از آف‌های اسناد دیگر از جمله ارسال^۷ تصحیف^۸، مزید^۹ و افتادگی راویان میانی سند قابل تشخیص، تصحیح و بازسازی می گردد.

روش پژوهش حاضر، اسنادی - تحلیلی و توصیفی می باشد؛ بدین منظور ابتدا کلیه روایات حماد در کتاب الکافی تحلیل گشته و وضعیت رجالی راویان نخست، روایات تفسیری بررسی می شود؛ آنگاه به الگویابی روایات در کتاب الکافی کلینی؛ پس از آن حلقه ی مشترک هر الگو مشخص و اسناد روایات بر این اساس اعتبار سنجی می شود. نکته قابل توجه اینکه در تحقیق حاضر روایات راویان نخستی که بسامد بیشتری داشته اند، بررسی شده اند.

۷. حدیثی که از سند آن یک نفر یا بیشتر حذف شده باشد. گاهی مرسل به معنی مقطوع یا معضل نیز به کار می رود و شامل مرفوع و معلق نیز می شود (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ۱۳۷).

۸. وقتی قسمتی از سند یا متن یک حدیث به کلمه یا عبارت مشابه تغییر یافته باشد (غفاری، ۱۳۶۹ش، ۴۲).

۹. روایتی که در سند یا متن آن زیادتی وجود داشته که در حدیث همسان آن نیست (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ۱۲۱).

۳. پیشینه تحقیق

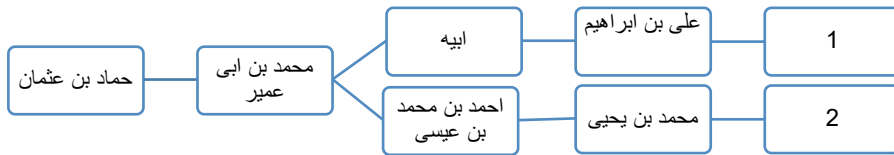
در ارتباط با حماد بن عثمان پژوهش‌هایی چون «قاعده‌ی اجماع در نگاه امام خمینی» (ربانی، ۱۳۷۹) و «بررسی وثاقت اصحاب اجماع» (مختاری، ۱۳۹۹) انجام گرفته که تنها به جملاتی پیرامون حماد بسنده کرده است لکن در این حوزه می‌توان به تحقیق‌هایی چون «الگویابی و مقایسه اسناد رجالیان و محدثان به کتب زراره بن اعین و محمد بن مسلم» (حاتمی مهر، ۱۳۹۳) اشاره نمود که به الگویابی درباره روایات دو راوی دیگر و مقایسه اسناد آنها پرداخته است.

۴. الگویابی سندی کلینی از روایات حماد بن عثمان

در کتاب الکافی ۲۵۰ روایت از حماد بن عثمان نقل شده است که ۳۶ مورد آن تفسیری است. روایان نخست روایات تفسیری حماد که در سند پس از ایشان قرار می‌گیرند شامل حسن بن علی و شاء، ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان، احمد بن محمد بن ابی نصر، حسن بن علی بن فضال، عبدالله بن بحر، عبدالرحمن بن ابی نجران و اسماعیل بن مهران می‌باشند. در تحقیق حاضر، پنج نفر اول که روایات بیشتری داشته‌اند، مبنا قرار گرفته و در کل احادیث کتاب الکافی که نام این روایان قرار دارد، بررسی و تحلیل می‌شود. بر این اساس اسنادی که بیشترین فراوانی نسبت به سایر اسناد دارد، به عنوان الگوی سندی کلینی در نظر گرفته و اسناد محدثان و طرق رجالی نیز معرفی می‌شود. هر یک از الگوها یکی از شیوه‌های دستیابی کلینی به کتاب حماد بن عثمان محسوب می‌شود.

۴-۱. الگوی ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان

ابو احمد محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی آزدی (د ۲۱۷ق / ۸۳۲م)، از اصحاب اجماع و از محدثان بزرگ امامیه است که دارای مقام و منزلتی رفیع بود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۶). رجال شناسان بر این باورند او محضر امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) را درک کرده است اما از امام کاظم (ع) نقل حدیث نداشته و تنها از امام رضا (ع) مستقیماً روایت کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۸۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۴). طبق شمارش خوبی نام وی در بسیاری از اسناد روایی که بالغ بر ۶۴۵ مورد می‌شود، آمده است (خویی، بی تا، ۱۴ / ۲۷۶). ابن ابی عمیر در نقل از حماد بن عثمان در رتبه اول قرار دارد چرا که وی حدود ۱۰۰ روایت را بدون واسطه از طریق حماد دریافت کرده است. روایات با دو الگو قابل مشاهده است.



۹۸ سند روایت از الگوی اول پیروی می کند که ۱۳ مورد آن تفسیری است. این الگو که در اسناد صدوق نیز وجود دارد (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ۲ / ۴۱۱)؛ الگوی اصلی کلینی در الکافی است؛ چرا که درصد زیادی از روایات ذکر شده در این کتاب با همین سند آورده شده است. در اینجا حلقه ی مشترک اصلی 'محمد بن ابی عمیر' (د. ۲۱۷ ق) است زیرا از وی دو نفر قومی (نک. نمودار)، روایت کرده اند. بنابراین تحریر وی قبل از سال ۲۱۷ ق، علاوه بر بغداد که محل سکونت وی می باشد، توسط راویانی در قم نشر یافته است.

الگوی اول ابن ابی عمیر از حماد در چند مورد قابل بررسی است:

– عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ وَ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳ / ۱۸۱). طبق این سند ابن ابی عمیر بین حماد و هشام مردد است. او بر اساس طریق نجاشی می تواند یکی از راویان هشام بن سالم باشد و لذا احتمال صحیح بودن طریق با «واو عطف» نیز وجود دارد. بدین صورت که وی این روایت را یک بار از حماد و یک بار از هشام نقل می کند. اما یکی دیگر از شاگردان هشام، حماد بن عثمان است (خوئی، بی تا، ۲۰ / ۳۳۰)؛ ضمن آنکه ابن ابی عمیر در اکثر روایات بدون واسطه از حماد بن عثمان حدیث نقل کرده تا هشام؛ بنابراین امکان نقل روایت حماد از هشام وجود دارد. از این رو ممکن است در این طریق «عن» به «و» تصحیف شده باشد.

– عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ حَرِيْزِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳ / ۱۴۴)؛ نقل روایت بدون واسطه ابراهیم بن هاشم از حماد بن عثمان بعید است چرا که حماد در سال ۱۹۰ هجری یعنی در زمان بعد از امام کاظم (ع) از دنیا رفته در صورتیکه ابراهیم بن هاشم از اصحاب امام نهم (ع)

۱۰. حلقه مشترک اصلی: اگر فردی در سلسله سند باشد که شاگردان متعددی از وی روایت کرده اند. آنها هم جاعل متن حدیث هستند و هم جاعل بخش ابتدای سند که او را به قدیمی ترین مرجع متصل می کند. حلقه ی مشترک فرعی نیز بدان معنا است که هرگاه برخی شاگردان حلقه مشترک، خود چند شاگرد داشته باشند که راوی روایت او باشند، شاگرد حلقه مشترک را، حلقه مشترک فرعی می نامند؛ آقایی، «تاریخگذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد»،

است و از ایشان روایت دارد (خوئی، بی تا، ۱/ ۳۰۵). لذا ممکن است، این سند سهواً در نام حماد دچار تصحیف شده، بدین صورت که به جای حماد بن عیسی، حماد بن عثمان نوشته شده است. گواه بر این مدعا، فقدان ابن ابی عمیر در این سند مطابق با الگو و نقل مستقیم ابراهیم بن هاشم از حماد است. ابراهیم بن هاشم حماد بن عیسی را درک کرده ولی حماد بن عثمان را درک نکرده است و هر جا ابراهیم از حماد بن عثمان نقل کند، اشتباه است؛ به ویژه که معمولاً در اسناد کلینی، ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی از حریر نقل می کند. این الگو در سند دو روایت دیگر به همین صورت قابل مشاهده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۲۸۶، ۳۳۶).

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۳۳۶)؛ در این سند، بر این اساس که امکان نقل مستقیم ابراهیم بن هاشم از حماد بن عثمان وجود ندارد و با توجه به اسناد روایات الکافی که در آن، ابراهیم بن هاشم با واسطه ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان از حلبی نقل روایت می کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۵۶۳، ۴/ ۳۳۷، ۳۴۳، ۵/ ۱۸۷، ۶/ ۱۰۰)، با نظر به الگوی اول، تصحیفی رخ نداده بلکه واسطه ابن ابی عمیر از سند افتاده است، لذا سند مرسل است.

- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۴۴۱)؛ لازم به ذکر است که این سند در حدود ۷ روایت به صورت تحویل است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۵۴۰، ۴/ ۷۶، ۱۰۱، ۵/ ۳۹۲، ۳۹۷، ۶/ ۲۰۲، ۷/ ۲۸۷) و کلینی برای آنها اسنادی با دو الگوی اول و دوم ثبت کرده است؛ در صورتی که طوسی در التهذیب روایت را تنها با الگوی اول آورده است (۱۴۰۷ق، ۳/ ۲۹۷).

درباره الگوی دوم، لازم به توضیح است که روایت مستقیم احمد بن محمد بن محمد بن عیسی از محمد بن ابی عمیر دور از ذهن نیست چرا که احمد بن محمد در عصر امام رضا (ع) وارد عرصه حدیث شد (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۷۳) و از ایشان حدیث شنید (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۸۱) ضمن آنکه از راویان امام جواد (ع) می باشد (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۸۱) و ابن ابی عمیر نیز از اصحاب امام رضا (ع) بوده و یکی از مشایخ احمد بن محمد است با این وجود ممکن است در همه نقل های مستقیم، واسطه از سند افتاده باشد؛ چرا که محتمل است، احمد بن محمد بن عیسی اشعری که ساکن قم و از محدثان مکتب قم بوده، دفاتر حدیثی محمد بن ابی عمیر ساکن بغداد را با واسطه بدست آورده باشد و او یا محمد بن یحیی واسطه این دفاتر را حذف کرده باشد. مؤید سخن، روایتی در الکافی با سند ذیل است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۲۷۷). در این سند، حسین بن سعید اهوازی واسطه بین احمد بن محمد

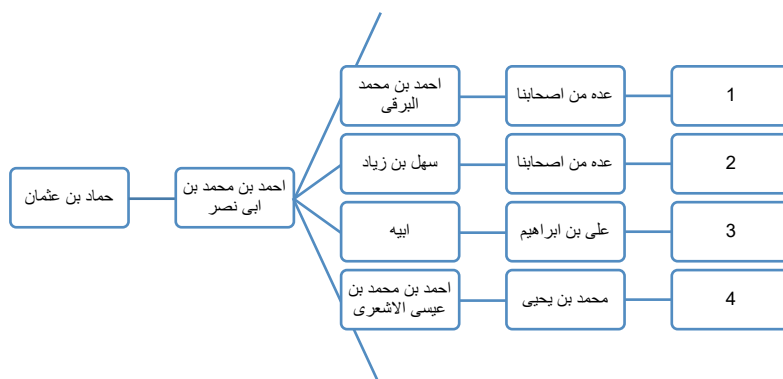
با ابن ابی عمیر است. وی از اصحاب امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و امام هادی(ع) به شمار می‌رود(برقی، ۱۳۴۲ش، ۵۴، ۵۶؛ طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۵۵، ۳۷۴، ۳۸۵) که از این امامان بدون واسطه و یا به واسطه مشایخی چون ابن ابی عمیر روایت کرده است(اهوازی، ۱۴۰۲ق، ۲۶، ۹۵، ۹۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۴۹) از جمله شاگردان وی احمد بن محمد بن عیسی اشعری است(طوسی ۱۴۲۰ق، ۶۰، ۱۴۹) با این اوصاف سند مزید نیست بلکه با توجه به الگوی اول کلینی، این احتمال وجود دارد که سند مرسل و راوی «حسین بن سعید» افتاده باشد. این سند در الامالی صدوق(ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۲۱۶) و کامل الزیارات دیده می‌شود(ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۲۹۵).

کلینی دو روایات را با سند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ» آورده است(کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۴۸؛ ۴/ ۱۳۳)، که به نظر می‌رسد با توجه به روایان سند، همان الگوی دوم است.

اما حضور ابن ابی عمیر از حماد در بیشتر اسناد احادیث در کتاب الکافی، نشان دهنده ی قدمت سند است. یکسان بودن الگوهای کلینی در وساطت ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان با طرق طوسی و صدوق، براشترک مجرای کلینی و محدثان دیگر برای دستیابی به کتاب حماد بن عثمان دلالت دارد. بر این اساس اسناد مسند، متصل و صحیح بوده و از قوت و اعتبار بیشتری برخوردارند.

۲-۴. الگوی ابن ابی نصر از حماد بن عثمان

احمد بن محمد بن ابی نصر بَزَنْطِي (۲۲۱-۱۵۲ق)؛ از بزرگان شیعه در قرن دوم هجری و جز موالیان ساکن در کوفه است(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۵؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۰؛ تستری، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۵۶۳، ۵۶۶). او از اصحاب امام کاظم(ع)، امام رضا(ع) و امام جواد(ع) بوده است(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۵). رجال شناسان شیعه وی را با الفاظی مانند ثقه(طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۳۲) و بلند منزلت در نزد امام رضا(ع) یاد کرده‌اند(طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۰). خوئی نامش را در سلسله سند حدود ۷۹۰ حدیث آورده است(بی تا، ۳/ ۲۲). در الکافی، ۳۵ روایت از حماد بن عثمان را با الگوهایی نقل می‌کند.



این الگوها، در ۷ روایات تفسیری قابل مشاهده است. در نمودار مذکور، احمد بن محمد بن ابی نصر (۲۲۱ق) حلقه ی مشترک اصلی است که از وی ۴ راوی روایت کرده اند به همین سبب روایات وی در قم و ری منتشر شده است.

در نگاه نخست، ۲ روایت در الکافی با الگوی اول ملاحظه می شود که یکی از آنها تفسیری است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ الْبَرَقِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۲۰ق، ۵ / ۳۲۴، ۱ / ۳۹۰). کلینی جهت اختصار سند، نامی از برخی افراد نیآورده است زیرا اغلب آنها افرادی شناخته شده هستند که در کتب رجالی شرح حال آنان آمده است. حر عاملی به سه عده به نقل از کلینی اشاره کرده که مشایخ آن معلوم هستند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۰ / ۱۴۷-۱۵۰). در این الگو منظور از عده من اصحابنا، احمد بن عبدالله بن احمد برقی، علی بن ابراهیم، علی بن الحسین السعد آبادی، علی بن محمد بن عبدالله ابی القاسم بن عمران هستند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱ / ۳۴). با وجود ثقه بودن همه راویان (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۶، ۲۶۱؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۲-۱۵۳؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰ / ۲۶۱) یک احتمال ضعیف وجود دارد که یک واسطه از سند افتاده باشد زیرا احمد بن محمد برقی از مشایخ مکتب قم (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۱۴) و ابن ابی نصر از محدثان و علمای کوفه بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۷۵) و چه بسا دفاتر حدیثی ابن ابی نصر با واسطه به دست احمد بن محمد برقی رسیده باشد و این واسطه توسط خود برقی یا روایانش سهواً حذف شده باشد.

برخی اسناد روایات در این باره، جای تأمل دارد:

— عده من اصحابنا عن احمد بن محمد برقی عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان عن عبدالله الكاهلی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۳۹۰)؛ در این سند که طبق الگوی اول است، حماد بن عثمان به واسطه عبدالله الكاهلی حدیث را از امام صادق (ع) نقل کرده که با وی هم طبقه است زیرا هر دو از اصحاب امام صادق (ع) و کاظم (ع) بوده، ضمن آنکه سند دیگری برای همین روایت در کافی بر درستی این موضوع صحه می‌گذارد: «علی بن ابراهیم عن ابیه عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن عبدالله الكاهلی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/ ۳۹۸)؛ بنابراین سند به صورت مزید است. جالب است که خوئی گرچه یکی از مشایخ حماد را عبدالله بن کاهلی معرفی کرده اما برای عبدالله، راوی به نام حماد نام نبرده است (بی تا، ۱۱/ ۴۰۶).

— عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/ ۴۲۹)؛ این سند با توجه به الگوی اول، دوم و سوم به صورت مرسل بوده و یک راوی از سند افتاده است.

— عنه عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان و محمد بن سوجه؛ در این سند که دو بار در کتاب کافی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶/ ۳۰۶؛ ۸/ ۱۸۳)؛ با توجه به اسناد روایات قبلی، منظور از «عنه»، «احمد بن محمد بن خالد برقی» است لذا با توجه به الگوی اول، از ابتدای سند «عده من اصحابنا» افتاده و سند معلق است. نکته ای که در اینجا وجود دارد، راوی است که عطف به حماد بن عثمان شده است. گرچه خوئی ابن ابی نصر و حماد را از راویان، «محمد بن سوجه» معرفی کرده است (بی تا، ۱۷/ ۱۷۵) اما شواهد، بر این گواه است که محمد بن سوجه از مشایخ حماد بن عثمان است نه ابن ابی نصر. محمد بن سوجه از اصحاب مشترک امام باقر (ع)، امام صادق (ع) است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۲۸۵؛ خوئی، بی تا، ۱۷/ ۱۷۵) در حالیکه ابن ابی نصر از اصحاب هیچ کدام از این امامان معصوم (ع) نیست لذا در اینجا یا «عن» به «و» تصحیف شده و یا محمد بن سوجه به این سند اضافه شده است.

الگوی دوم در ۲۲ روایت دیده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۴۹۷؛ ۴/ ۳۹۰، ۴۷۲، ۳۴۱، ۵۵۲، ۴۲۴، ۴۳۸، ۵۵۶، ۵۳۵؛ ۵/ ۲۳۵، ۲۳۴، ۴۱۹، ۴۴۳، ۳۷۵؛ ۶/ ۱۳۸، ۵۲۲، ۳۳۲، ۴۳، ۲۸۹؛ ۷/ ۲۱۶؛ ۸/ ۱۳۱، ۱۶۵) که در چند مورد نیاز به بررسی دارد:

- سهل بن زیاد عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن حماد بن عثمان؛ این سند تعلیق^{۱۱} شده در دو روایت کتاب الکافی قابل رؤیت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۱۳۴، ۲۵۴).

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُرَّازِمٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/ ۴۱۹). در این سند چندین ادله بر احتمال تصحیف «و» به «عن» بین حماد و مرآزم وجود دارد: مرآزم از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده و در زمان حیات امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ از دنیا می رود و حماد نیز از صحابی این سه امام (ع) بوده و در سال ۱۹۰ از دنیا می رود. از سوی دیگر در هیچ کتاب رجالی مطلبی راجع به رابطه شاگردی و استادی بین این دو صحابی وجود ندارد (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۲۴؛ برقی، ۱۳۴۲ش، ۴۸) همچنین نه در کتاب الکافی و نه در کتب دیگر حدیثی، حماد بن عثمان جز همین روایت هیچ نقل دیگری را به واسطه مرآزم نداشته است. در سندی در کتب تهذیبین، ابن ابی نصر با واسطه مستقیم مرآزم روایتی را نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵/ ۱۷۱؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۲/ ۲۴۷). طوسی همین روایت را با همین طریق ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷/ ۲۸۳).

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۴۹۷)؛ در این سند حماد بن عثمان با واسطه رفاعه حدیث را ذکر کرده است. رفاعه از اصحاب مشترک امام صادق (ع) (طوسی، ۱۳۷۳ق، ۲۰۵) و امام کاظم (ع) می باشد (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ۳/ ۴۰۴). قرائنی وجود دارد که نشان می دهد وی به احتمال زیاد، با حماد هم طبقه است. از جمله، عدم ذکر نام وی به عنوان استاد حماد در طریقی که برای او در کتب رجالیان متقدم وجود دارد. همچنین تنها یک روایت از حماد بن عثمان از رفاعه در کتب حدیثی وجود دارد؛ لذا سند منفرد و شاذ است. از سوی دیگر روایاتی با واسطه هایی از طبقه سوم اصحاب اجماع از رفاعه نقل شده است در حالیکه حماد از طبقه دوم اصحاب اجماع است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶/ ۹۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۲/ ۱۲۶) و بالاخره ذکر روایاتی با الگوی سوم کلینی از ابن ابی نصر که در آن وی بدون واسطه از رفاعه حدیث نقل کرده است. بر این اساس به نظر می رسد، سند این روایت به صورت «تصحیف» یا «مزید» بوده است.

- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۵۵۶)، در این سند منظور از احمد بن محمد، احمد بن محمد بن ابی نصر است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵/ ۱۹۷؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۲/ ۱۵۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۴/ ۳۷۶). این سند با الگوی دوم منطبق است لذا راوی از ابتدای آن افتاده و سند معلق است.

۱۱. اگر از ابتدای سند یک نفر یا بیشتر پشت سر هم حذف شده باشد؛ مامقانی، بی تا، ۱: ۱۷۶

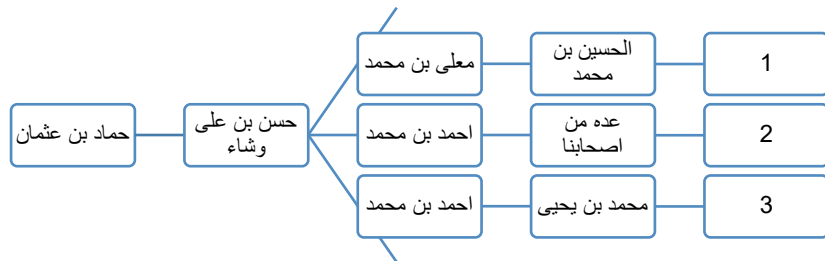
الگوی سوم به ۴ روایت اختصاص یافته است که یک مورد آن روایت تفسیری است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۴۴۲؛ ۲/ ۳۴۱؛ ۶/ ۳۱۱، ۴۱۹). این الگو در طریق طوسی وجود دارد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۸/ ۶۳، ۹/ ۱۱۹).

الگوی چهارم اباردر الکافی آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۸).

۳-۴. الگوی ابن وشاء از حماد بن عثمان

ابومحمد حسن بن علی بن زیاد وشاء بجلی خزاز کوفی (د. ۲۲۰ق)، از اصحاب امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام هادی (ع) به شمار می رود (برقی، ۱۳۴۲ش، ۵۴، ۵۸). نجاشی او را فردی جلیل القدر و مورد اعتماد معرفی می کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹). وی در ابتدا واقفیه بود اما پس از دیدن معجزات امام رضا (ع) به ایشان ایمان آورد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۷۱) و شیعه شد (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ۲/ ۲۳۵).

حسن بن علی الوشاء ۵۸ روایت را بدون واسطه از طریق حماد بن عثمان نقل می کند. از این تعداد سند ۵۵ روایت از الگوی اول تبعیت می کند.



شایان ذکر است که ۹ مورد از روایات تفسیری بر اساس الگوی اول است. الگوی اول با طریق مفید در الامالی (۱۴۱۳ق، ۱۵۸) و طوسی در التهذیبین (۱۴۰۷ق، ۳/ ۱۲۸، ۴/ ۳۰۲، ۱۰/ ۵۵؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱/ ۴۴۴، ۲/ ۱۰۸، ۱۳۶) و با الگوی صدوق منطبق است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲/ ۸۲). در نمودار فوق حسن بن علی وشاء (د. ۲۲۰ق) حلقه ی مشترک اصلی است که سه راوی از وی روایت کرده اند (نک. نمودار). لذا روایات وی قبل از ربع اول قرن سوم در بصره، کوفه و قم رواج یافته است.

در برخی از روایات با این الگو، مواردی قابل بررسی است:

– الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴۰۹)؛ در این سند بین حسن بن علی با حرف «غیره» حرف عطف تردیدی است^{۱۲}. علاوه بر آن کلمه ی «غیره» در سند نشانه ای از مرسل بودن سند است.

– الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶ / ۱۳۰)؛ این سند که به صورت تحویل^{۱۳} است تنها یک بار در کتاب الکافی آمده و لذا شاذ است. افزون بر آن جعفر از روایان «ابان» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵ / ۱۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶ / ۲۱۲؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳ / ۱۰۳) نه حماد؛ بر این اساس احتمال تصحیف ابان بن عثمان به حماد بن عثمان وجود دارد.

– الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴ / ۴۸۹)؛ در این سند بدل از حسن بن علی از عبارت «عمن حدّته» استفاده شده است که نشانه مرسل بودن سند است.

– بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۱۸۶). «بهذا الاسناد» که در آغاز اسناد کلینی اشاره به سند قبل است، نشان دهنده ی شبهه تعلیق بودن سند است^{۱۴}؛ در سند روایت قبل آمده است: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۱۸۶). با توجه به شواهد موجود در سند مورد بحث، مقصود از «بهذا الاسناد» همان «الحسین بن محمد» است.

– الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷ / ۱۴۱)، به نظر می رسد، مراد از «بعض اصحابه» بنابر الگوی اول، حسن بن علی و شاء باشد، لذا سند مرسل است. این الگو نیز در تهذیبین قابل مشاهده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹ / ۳۷۹؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۴ / ۱۹۴).

۱۲. حرف «أو» که نوعی از عطف در سند است. در اینجا سند به دو یا چند سند تفکیک می شود؛ نک: شبیری، اسناد

ویژه الکافی در وسائل الشیعه، ۱۷۸

۱۳. اگر محدثی متنی را به دو سند یا بیشتر نقل کند، آن را تحویل می گویند و حرف «ح» را به عنوان رمز انتقال از

سند به سند دیگر به کار می گیرند؛ غفاری، ۱۳۶۹ق، ۱۸۷

۱۴. در شبهه تعلیق، علامت و نشانه ای وجود دارد تا خواننده از افتادگی در سند آگاه شود. برای نمونه، عنوان «بهذا الإسناد» در برخی روایات کتاب کافی، نشان دهنده افتادگی در سند است. برای کامل کردن این افتادگی به اسناد

پیشین بازمی گشته و یا از دانش طبقات بهره برده می شود؛ غلامعلی، ۱۳۹۳ق، ۵۰

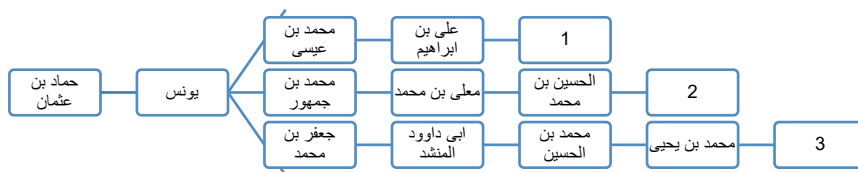
در الگوی دوم که در یک روایت آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶/۳۳۵)؛ به سبب اشتراک اسم احمد بن محمد دو احتمال درباره آن وجود دارد، یا همان احمد بن محمد بن عیسی الاشعری است چرا که از جمله مشایخ وی «حسن بن علی بن وشاء» است و یا «احمد بن محمد بن خالد برقی» است. با توجه به این مطلب که در الگوی سوم مراد از احمد بن محمد با نظر به مروی آن (محمد بن یحیی) «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» است، می‌توان در الگوی دوم آن را همان «احمد بن محمد بن خالد برقی» دانست. الگوی سوم در یک روایت دیده شده است اما یک روایت دیگر با این الگو وجود دارد که در آن «ابی یحیی الواسطی» بدل از «وشاء» است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَأَسِطِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶/۴۱۹). در این سند یک واسطه بین حماد بن عثمان و ابی یحیی افتاده است چرا که ابی یحیی امام یازدهم (ع) را ملاقات کرده (خوئی، بی تا، ۹/۳۷۵) در صورتیکه حماد از اصحاب این معصوم (ع) نبوده؛ لذا سند مرسل است. ناگفته نماند که روایات تفسیری با الگوی دوم و سوم دیده نشد.

در پایان، گرچه مقدار روایات ابن وشاء از حماد نصف روایات ابن ابی عمیر از حماد است اما تعداد راویان ناقل از وی با ناقلان از ابن وشاء تقریباً یکسان است. ناگفته نماند معلی بن محمد سهم بیشتری نسبت به دیگر راویان در نقل از ابن وشاء از حماد بن عثمان دارد. الگوهای سندی کلینی به ویژه «ابن وشاء» از حماد بن عثمان در سایر منابع حدیثی همچون کتب مفید، صدوق و طوسی کاربرد دارد، لذا می‌توان رایج‌ترین شیوه دستیابی محدثان به کتاب حماد بن عثمان را با نشر «حسن بن علی وشاء» دانست.

۴-۴. الگوی یونس از حماد بن عثمان

ابو محمد یونس بن عبدالرحمن معروف به مولی آل یقطین است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵۱۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۶). نسب وی قمی (سمعانی، ۱۴۱۹ق، ۵/۶۲۹)، از اصحاب اجماع (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲/۶۷۳، ۷۸۰، ۸۳۰) و از یاران امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) است (حلی، ۱۴۱۷ق، ۱۸۴). رجال شناسان وی را دارای مقام و جایگاهی رفیع می‌دانند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۶). طبق شمارش خوئی، وی از حدود ۱۸۰ محدث مانند حماد بن عیسی نقل حدیث کرده است (خوئی، بی تا، ۲۰/۳۲۳).

کلینی حدود ۱۶ روایت را از یونس از حماد بن عثمان در الکافی ثبت کرده است که در همه این احادیث یونس بدون واسطه راوی حماد بن عثمان است.



از این تعداد ۱۳ روایت بر مبنای الگوی اول، دو روایت بر پایه الگوی دوم و یک روایت بر اساس سند ثابت سوم است. از بین این روایات، دو روایت تفسیری است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲ / ۲۱). طریق طوسی و نجاشی با الگوی اول به استثنای راوی اول سند، مطابق است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۸). حلقه ی مشترک اصلی در نمودار شماره ی ۵ یونس بن عبدالرحمان (د ۲۰۸ق) است که سه راوی از وی روایت کرده اند. با توجه به این موضوع که نسب وی قمی و مدفن او در مدینه است و از سوی دیگر راویان وی اهل بغداد، بصره و قم هستند، روایات یونس در بیشتر سرزمینهای اسلامی منتشر یافته است.

طرق برخی از روایات بر اساس الگوی اول دارای تصحیف یا ارسال بوده که بر اساس الگوی سندی، این نقصان جبران می شود:

- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۱۶۳)؛ عبارت «بهذا الاسناد» اشاره به شبه تعلیق بودن سند دارد. در اینجا با توجه به سند روایت قبل به «علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی بن عبید» برمی گردد.

- يُونُسُ عَنْ حَمَّادٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲ / ۲۷۸)؛ این سند دچار تعلیق است که با الگوی اول و بعضاً اسناد قبل از آن، بازسازی می شود.

- عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۶۰)؛ به نظر می رسد «ابیه» به سند اضافه شده است چرا که در این الگو علی بن ابراهیم بی واسطه از محمد بن عیسی نقل می کند. علاوه بر آن درباره تاریخ ولادت حماد آمده است که وی پانزده الی بیست سال قبل از وفات امام صادق (ع) (۱۴۸ق) به دنیا آمده و سال فوت وی ۱۹۸ق بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۳). عبدالله بن سنان نیز گرچه تاریخ ولادتش نامعلوم است اما در سال ۲۰۰ ق از دنیا رفته است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ۷ / ۶۱)؛ لذا هردو هم

طبقه هستند. ضمن آنکه محمد بن سنان از ابی جارود حدیث استماع نموده است نه عبدالله، افزون بر آن محمد بن سنان از اساتید حماد بن عثمان نیست. با این اوصاف عبدالله بن سنان در این سند، اضافه شده است.

- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمهُورٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۰۵)؛ همانطور که مشاهده می شود، با توجه به الگوی دوم کلینی (۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۳۷)، سند مرسل است و راوی افتاده «یونس بن عبدالرحمان» است.

- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۱۴۱)؛ با توجه به الگوی دوم، به نظر می رسد، دو راوی از سند افتاده باشد. بدین صورت که مراد از «بعض اصحاب» محمد بن جمهور عن یونس است. لذا سند دچار ارسال گشته است.

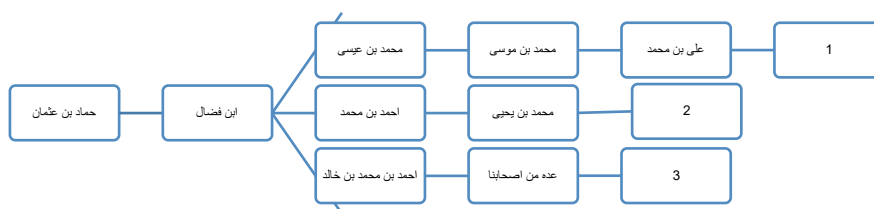
- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُنْشِدِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۱). الگوی سوم در طریق طوسی نیز وجود دارد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۲۱۶). در الگوی کلینی «محمد بن یحیی» در ابتدای سند است در حالیکه در طریق طوسی «سعد بن عبدالله» بدل از آن قرار گرفته است.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ شَاذَانَ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحُسَيْنِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۳۰)؛ در سند این روایت دو واسطه بین محمد بن یحیی با یونس بدل از الگوی آخر هستند. با توجه به اینکه شاگرد حسین بن مختار قلانسی، حماد بن عیسی است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۱۵) نه حماد بن عثمان، می توان منظور از حماد در این سند را حماد بن عیسی دانست لذا این سند متفاوت از الگوی سوم است بدون آنکه هیچ اشکالی متوجه آن شود.

در پایان، در الگوهای کلینی از یونس از حماد بن عثمان الگوی پر کاربرد و اصلی، همان الگوی اول است و سایر الگوها فرعی هستند. علاوه بر آن، به ترتیب محمد بن عیسی، محمد بن جمهور و جعفر بن محمد بیشترین سهم را در نقل روایات یونس از حماد بن عثمان دارند. مشایخ حدیثی کلینی در این الگوها علی بن ابراهیم، حسین بن محمد و محمد بن یحیی است و بیانگر این مطلب است که روایات کلینی از یونس از هر دو مکتب کوفه و قم نشأت می گیرد. اضافه بر آن، روایات یونس تنها در محمد بن عیسی با طرق رجالی مشترک بود. شاید بتوان گفت این تفاوت رجالی با الگوی کلینی بدین علت است که رجال شناسان کتابهایی از یونس در اختیار داشتند که در آن روایات حماد بن عثمان اندک بوده است.

۳-۵. الگوی ابن فضال از حماد بن عثمان

«حسن بن علی بن فضال» (د. ۲۲۴ ق)؛ از محدثان بزرگ کوفه و از اصحاب خاص امام رضا (ع) است که در ابتدا فطحنی مذهب بود اما از اعتقاد خویش بازگشت و به امامت امام موسی کاظم (ع) معتقد شد (کشی، ۱۳۶۳ ش، ۲/۸۳۶). ابن فضال در کتب رجالی به ثقه، جلیل القدر و عظیم المنزله توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۴؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۱۲۳). نام وی در اسناد بیش از ۱۶۰۰ روایت در کتب اربعه آمده است (خوئی، بی تا، ۵/۵۰). ابن فضال راوی ۶ روایت از حماد بن عثمان است که اسناد آنها تابع الگوهای به دست آمده است.



از این روایات، یک روایت تفسیری است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱/ ۶۱). الگوی کلینی (محمد بن یحیی عن احمد بن محمد) با طریق طوسی مطابقت دارد و اختلاف تنها درمشاخ روایی هر کدام از آنهاست (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۱۰/ ۱۴۱). کلینی علاوه بر الگوی دوم (محمد بن یحیی عن احمد بن محمد) که الگوی اصلی آن محسوب می شود، الگوهای فرعی (۱ و ۳) دیگری نیز در دستیابی به روایات ابن فضال دارد که مختص خود اوست و در ۳ روایت جاری است. حلقه ی مشترک اصلی در نمودار مذکور، ابن فضال (د ۲۲۴ ق) است که ۴ راوی از وی روایت کرده اند. بنابراین روایات وی در نیمه ی اول قرن سوم درسزمینهای کوفه، بغداد و قم گسترده شده است.

برخی از طرق روایات ابن فضال از حماد قابل تأمل است:

– مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱/ ۶۱)؛ در این طریق محمد بن عبدالجبار که واسطه بین محمد بن یحیی با ابن فضال است بدل از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از الگوی دوم کلینی آمده است. محمد بن یحیی العطار قمی که از استادان بلند مرتبه شیخ کلینی است، نزد محمد بن عبدالجبار، سمت شاگردی را دارد (خوئی، بی تا،

۳۳/۱۹). علاوه بر آن احمد بن محمد بن عیسی اشعری نیز یکی از شاگردان محمد بن عبدالجبار است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۹۹) و ابن فضال نیز از استادان ایشان است. با این اوصاف گرچه در ابتدا چنین به نظر برسد که سند مذکور می‌تواند با نظر به الگوی دوم، دچار تصحیف شده باشد اما چنین نیست و این طریق خود الگوی جداگانه‌ای برای اسناد روایات کلینی محسوب می‌شود. این روایت، تنها روایت تفسیری از ابن فضال از حماد بن عثمان است که در کتاب الکافی آمده است.

– عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷/۳۹۶)، این سند، الگوی سوم کلینی در وساطت ابن فضال از حماد بن عثمان است. برقی در المحاسن روایتی با همین طریق به صورت تعلیق ذکر کرده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱/۱۷۸).

در پایان، درباره ابن فضال لازم به ذکر است که الگوی کلینی تنها در حلقه احمد بن محمد از حماد بن عثمان با طرق نجاشی یکسان است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۶). این مطلب حاکی از آن است که محدثان سندهای راویان قمی را برای حماد بن عثمان ترجیح داده اند اما رجالیان، طرق روات کوفی را استفاده کرده اند.

۵. نتیجه

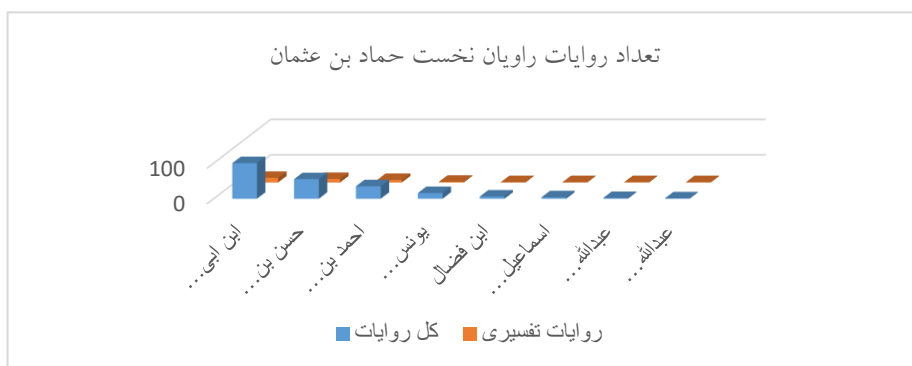
۱. یکی از شاخص‌ترین جوامع حدیثی متقدم شیعه، کتاب «الکافی» کلینی است که به عصر ائمه (ع) نزدیک می‌باشد لذا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. حماد بن عثمان یکی از اصحاب اجماع و از یاران امام صادق (ع) می‌باشد که روایات متعددی در این کتاب از ایشان دیده می‌شود. بنا بر نظر رجالیان وی یک کتاب دارد که نامی برای آن عنوان نشده است. حماد بن عثمان راویان زیادی داشته است اما حدود نود درصد از روایات تفسیری وی توسط ۵ راوی: ابن ابی عمیر، حسن بن وشاء، احمد بن محمد بن ابی نصر، یونس بن عبدالرحمن و ابن فضال نقل شده است. از میان این اسناد الگوی اصلی کلینی از حماد: «علی بن ابراهیم عن ابیه، محمد بن ابی عمیر عن حماد بن عثمان» است چرا که تعداد زیادی از روایات ذکر شده در این کتاب (۹۸سند) با همین الگو آمده است که بیانگر قدمت سند است.

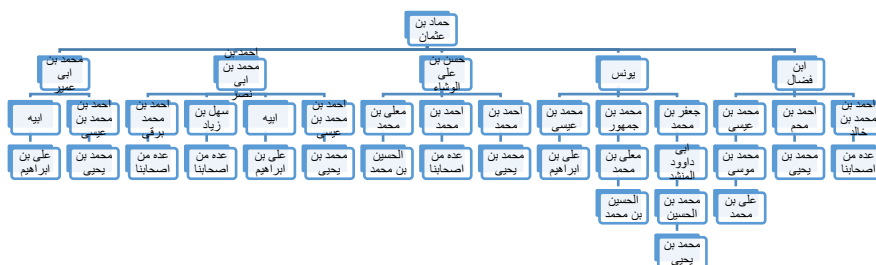
۳. یکسان بودن بیشتر الگوهای کلینی در وساطت ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان با طرق طوسی و اسناد صدوق، براشتراک مجرای کلینی و محدثان دیگر برای دستیابی به کتاب حماد بن عثمان دلالت دارد. لذا اسناد مسند، متصل و صحیح بوده و از قوت و اعتبار بیشتری برخوردارند. افزون بر ابن ابی عمیر سهم روایات ابی نصر بزنطی و وشاء از دیگر راویان بیشتر است که به نقش پررنگ روات مکتب کوفه و بغداد در تفسیر آیات نسبت به راویان مکتب قم اشاره دارد.

۴. برخی از اسناد روایات کلینی با توجه به الگوهای ثابت وی از حماد دارای آسیبهای بیرونی همچون تعلیق، ارسال، مزید، تصحیف بودند که تصحیح و بازسازی شد. بسیاری از طرق رجالیانی چون طوسی که با الگوهای ثابت کلینی مطابقت داشت، معلوم گردید و لذا درجه اعتبار احادیث آشکار گردید.

۵. حلقه مشترک الگوهای اسناد کلینی، پنج راوی ثقه، ابن ابی عمیر، حسن بن وشاء، احمد بن محمد بن ابی نصر، یونس بن عبدالرحمن، ابن فضال هستند؛ لذا روایات تفسیری حماد از طریق این پنج نفر انتشار یافته است. حضور این راویان که بدون واسطه از حماد بن عثمان حدیث نقل کرده اند، مؤکد این مطلب است که کلینی در انتخاب روایات منقول از اصحاب ائمه (ع) دقت زیادی داشته است.



الگوهای کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان



منابع

علاوه بر قرآن کریم

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰ق)، *طبقات اعلام الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
۳. اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، *الزهد*. چاپ غلامرضا عرفانیان، قم: المطبعه العلمیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۹۸ق)، *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامی.
۶. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا*. تهران: نشر جهان.
۷. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۹. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*. قم: کتاب فروشی داوری.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۸)، *الملاحم و الفتن*، قم: بی نا.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، *قبس من کتاب غیاث سلطان الوری*. قم: مدرسه الامام المهدی (ع).
۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش) *کامل الزیارات*. نجف اشرف: دارالمرتضویه.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ش)، *رجال البرقی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. تستری، محمد تقی (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*. قم: بی نا.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، *رجال العلامه الحلّی*. نجف اشرف: دار الذخائر.
۱۸. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۴۲ش)، *الرجال لابن داوود*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. خوبی، ابوالقاسم (بی تا)، *معجم رجال الحدیث*. بیروت: بی نا.
۲۰. خمینی، روح الله (بی تا)، *الطهاره*. بی جا، بی نا.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق)، *کلیات فی علم الرجال*. قم: دفتر نشر اسلامی.

۲۲. سمعانی، عبدالکریم (۱۴۱۹ق)، *الانساب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۸ق)، *الرعايه في علم الدرايه*. تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۱. غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹ش)، *دراسات في علم الدرايه*. تهران: جامعه الامام الصادق ع.
۳۲. غلامعلی، مهدی (۱۳۹۳ش)، *سند شناسی احادیث*. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی ع.
۳۴. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ش)، *اختیار معرفه الرجال*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۵. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفه الرجال*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مامقانی، عبدالله (بی تا)، *مقیاس الهدایه فی علم الدرايه*. موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
۳۸. معارف، مجید (۱۳۷۷ش)، *تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی*. تهران: کویر، ۱۳۷۷ش.
۳۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*. قم: الموتر العالمی لالیفیه الشیخ المفید.
۴۰. کشی، محمد بن عمر (۱۴۱۳ق)، *الامالی*. قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه.
۴۲. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*. تهران: فرزندان مؤلف.
۴۳. آقایی، علی (۱۳۸۵) «تاریخگذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد». *علوم حدیث*. شماره ۴۱، ۱۶۸-۱۴۵.